

اعلامیه مطبوعاتی

شورای همکاری خلیج، رویدادها را با چشم آمریکا می‌بیند و با معیار آن قضاوت می‌کند!
(ترجمه)

از شگفت‌انگیزترین و عجیب‌ترین امور این است که ناهنجاری به امر طبیعی تبدیل شود و باطل جای حق را بگیرد تا آنجا که سرزمین‌های مسلمانان به واحدهای کوچک و ناتوان تجزیه گردد، سپس همین وضعیت غیرطبیعی، اصل و حالت طبیعی پنداشته شود و بسیاری آن را درست بدانند. همچنین شوراها و سازمان‌های بین‌المللی‌ای که دولت‌های کافر، مانند شورای همکاری خلیج، اتحادیه کشورهای عرب و سازمان همکاری اسلامی ایجاد کرده‌اند، جایگزین وحدت مسلمانان در قالب یک دولت واحد شوند که تحت رهبری یک خلیفه اداره گردد!

شورای همکاری خلیج، حملات ایران بر اردن، بحرین و کویت را می‌بیند؛ اما هواپیماها و موشک‌های آمریکا را که از خاک همین کشورهای توسط ارتش آن بر ضد ایران شلیک می‌شوند، نمی‌بیند و آن‌ها را تجاوز نمی‌شمارد. از این‌رو، این حملات را محکوم می‌کند، اما در برابر آن حملات سکوت اختیار می‌نماید. پس شورای همکاری خلیج با کدام چشم به رویدادها می‌نگرد و با کدام معیار قضاوت و داوری می‌کند؟!

بی‌تردید، این وضعیت مسلمانان نه الله سبحانه و تعالی را خشنود می‌سازد، نه رسول الله صلی الله علیه و سلم را و نه مؤمنان را. این وضعیتی است که دولت‌های استعمارگر کافر بر مسلمانان تحمیل کرده‌اند و حکام رویبضه برای تثبیت آن به قدرت رسانیده شده‌اند. رسانه‌ها و بلندگوهای تبلیغاتی آنان نیز پیوسته می‌کوشند این وضعیت را در ذهن مسلمانان به عنوان یک امر طبیعی و اصل ثابت جا بیندازند تا آنجا که تصور واقعیت صحیح از ذهن بسیاری از مسلمانان محو شده است؛ این‌که آنان امتی واحدند، جدا از سایر مردم؛ جنگ‌شان یکی است، صلح‌شان یکی است و یک خلیفه بر اساس کتاب الله سبحانه و تعالی و سنت رسول الله صلی الله علیه و سلم بر آنان حکومت می‌کند.

شایسته بود که شورای همکاری خلیج، مسائل را از دیدگاه اسلام بنگرد و آمریکا و سایر دولت‌های استعمارگر را دشمن اسلام و مسلمانان بداند و رژیم یهود را سرنیزه جنگ آنان در سرزمین‌های مسلمانان بشناسد.

همچنین شایسته بود که موجودیت این حکام رویبضه را در سرزمین‌های مسلمانان محکوم کند، وجود این دولت‌های دست‌نشانده و وابسته به غرب را مردود بشمارد، و حکام کشورهای عضو خود، حکام ایران و سایر سرزمین‌های اسلامی را مخاطب قرار داده، از آنان بخواهد که از قدرت کنار بروند، زمام امور را به حزب التحریر بسپارند و با امیر آن به عنوان خلیفه مسلمانان بیعت کنند تا سرزمین‌ها و ارتش‌های مسلمانان را یکپارچه سازد، حضور آمریکا و دیگر دولت‌های استعمارگر کافر را از سرزمین‌های مسلمانان برکنند، بر آنان به اسلام حکم نماید و همراه با آنان، اسلام را به عنوان پیام هدایت، نور و عدالت به تمام جهانیان حمل کند.

هیچ‌کس نباید بگوید که شما خواهان امر ناممکن هستید و هیچ‌کس نباید از این مطالبه شگفت‌زده شود؛ زیرا آنچه واقعاً عجیب و شگفت‌آور است، همین وضعیت غیرطبیعی امت اسلامی است. شگفت آن است که این امت واحد، به ملت‌ها و مردمان پراکنده و گاه درگیر با یکدیگر تبدیل شده‌اند؛ در حالی که الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

(إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ) [الحجرات: 10]

ترجمه: در حقیقت، مؤمنان باهم برادرند.

مسلمانان قرن‌های متمادی، زیر پرچم یک خلیفه، یک امت واحد بودند و همان وضعیت، حالت طبیعی آنان به شمار می‌رفت؛ به گونه‌ای که تفرقه و تجزیه را امر ناممکن می‌پنداشتند. پس چه چیزی مانع آن است که دوباره همان‌گونه که بودیم، به یک امت واحد بازگردیم؟ بلکه این اصل و وضعیت طبیعی است؛ زیرا این وعده الله سبحانه و تعالی و بشارت رسول الله صلی الله علیه و سلم است که فرمودند:

«ثم تكون خلافة على منهاج النبوة» (مسند احمد)

ترجمه: سپس (بعد از این همه حکومت‌ها) خلافتی بر منهج نبوت برپا خواهد شد.

پس از این پادشاهی جبری که امروز در آن زندگی می‌کنیم، دوباره خلافت بر منهج نبوت برپا خواهد شد. افزون بر آن، حزب‌التحریر نیز به‌عنوان حزب پیشگام، که به اهل خود دروغ نمی‌گوید، با داشتن طرح خلافت حضور دارد. از این‌رو، چه بسا نزدیک است که آنچه برخی آن را ناممکن می‌پندارند، به واقعیتی عینی تبدیل گردد.

دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب‌التحریر